



مناقضان

سوره مناقضان

آیه های ۵ - ۶

مسئله استغفار

۵ - وَإِذَا قِيلَ لَهُم تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا

رُءُوسِهِمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَحُمُّ مَكْبَرٍ لَهُمْ

؛ هنگامیکه به منافقان گفته میشود بیایید ببایم خدا برای شما طلب آمرزش کند - سرهای خود را (یعنوان مسخره) تکان داده و آنرا میبینی که با تکبر روی گردان میشوند .

۶ - سَوَاءٌ أَسْتَغْفَرَ لِيَوْمِئِذٍ لِيَمْ كَمْ أَسْتَغْفِرُ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

؛ چه برای آنجا طلب آمرزش بنمائی و چه بنمائی یکسانست ، خدا آنرا نخواهد بخشید ، خدا گروه فاسق را هدایت نمیکند .

افراد گناهکار در صورتی که توجه گناه خود باشند و بدانند که این عمل به خود و قواینبین الهی تجاوز نمیشاید ، زیرا با خود به فکر بازمانده و وسیله مغفرت و آمرزش خود را فراهم میآورند . ولی فرد مغرور و گناهکاری که متوجه گناه خود نباشد و پیوسته در ظن روی حسنه - جلوه کند ، هر گونه تجاوز و تعدی را بر اثر جهلی که بر روح او حکومت میکند ، عین صواب و حق و حقیقت پندارد ، هرگز بفکر بازمانده ، و اگر کسی به وی راه مسیحی را که سعادت او در آنست پیشنهاد کند ، روی جهالت سر خود را تکان داده و از هر گونه خیر خواهی متکبران روی میگرداند .

سلف مناقق از دست خود میباشند ، زیرا آنان اگر چه به اسلام و ایمان ظاهر میکنند ، ولی چنانکه لفظ و **تظاهر** از آن حاکی است ، همه اش ظاهر و خود نمائی بوده ، و از ایمان واقعی به خدا و رسول او ، خبری نیست . و در حقیقت جاهلان مری میباشند که از اشتباه و نادانی خود آگاهی ندارند .

روی همین حالت انسانی (جهل مریک) بود که هر موقع به یکی از مناققان عصر رسالت پیشنهاد میشد که خدمت پیامبر برسد ، و پیامبر درباره آنان طلب آمرزش کند ، چون به مقام و

موقیبت پیامبر سزاوار نبوده ، و آئین او را از مسموم دل نه پذیرفته بودند ، حرای خود را بتوان مسخره و اینکه احتیاجی به چنین طلبه مغرورت پیامبر ندارند . نکان میدانند و متکبران آنزین پشنهادروی گردان میگرددند .

این شیوه ، شیوه اعراف و روی گردانی انصاف به پشنهاده سوده ، اختصاص بسناق ندارد ، بلکه هر دلی که به جعل و نادانی خود پی نبرد ، هرچگونه عمل اصلاحی در میان آنان با دست خود آن ملت انجام پذیر نماید ، از این نظر فاسقندان گفته اند ، خدایت و اذیتانی گروهی که در جهل بسیم (کسانی که به جهل و نادانی خود توجه ندارند) بسیار آسان است ، ولی راه نمانی گروهی که در جهل مرکبند ؛ یعنی نمیدانند ؛ و تصور میکنند که میدانند بسیار مشکل و احیانا محال می باشد .

همچنانکه اعتقاد مقدمه تکامل است ، شک و تردید در یک مطلب ناچارسد علم و یقین بنش و اشتباه ، مایه تکامل ، و در دین ترقی میباید .

استغفار پیامبران موجب آموزش گناهان است

از بررسی آیاتی که درباره طلب آموزش پیامبران برای افراد مجرب بوده شده است استفاده میشود که مردم خدمت پیامبران میرسیدند تا آنان درخواست میکردند که بر اثر قرب و مقامی که در پیشگاه خداوند دارند ، درباره آنان طلب مغفرت کنند ، یعنی لا خداوند بخواند که خدا از گناهان آنان درگذرد .

عناکه ای که هر موجدانیت فرزندان یعقوب آفتابی شد ، و پادیه گان خود دیدند که یوسف محبوس در چاه ، سر از سر در آورد ، و فر مان و ایملی آن منطقه گردید ، از کرده خود پشیمان شده ، و به پیشگاه پدر رسیدند ، و گفتند : یا اباانا استغفر لمانا ذنوبنا انما كما حاسنن (یوسف ۹۷) : پدر عزیز ما درباره ما طلب مغفرت بنما و از خداوند بخوان ، خدا را نصیر انصاف در گذرد ، و ما گروه خمال کار بودیم ، وقتی یعقوب آثار سلامت و یقینمان را در چهره فرزندان خود مشاهده کرد ، به آنان وعده داد که این کار را در همین نزدیکی انجام خواهند داد و چنین فرمود : سوف استغفر لكم ربی انه هو الغفور الرحیم (یوسف ۹۸)

گاهی خود پیامبران به افراد گناهکار و عدو طلب آموزش از خدا میدادند ، چنانکه حضرت ابراهیم به آدر چنین وعده ای داد و فرمود : لا استغفرن لك و ما املك لك من الله من شیء (مستحبه ۴) یعنی از خداوند برای تو طلب آمرزش خواهم نمود ، و ایضا بدان که من مالك هیچ کاری از همه خدا درباره تو نیستم این حسیه حقیقت طلب مغفرت پیامبران را تا حدی روشن میسازد ، معنای آن این نیست که تمام گناه در دست پیامبران باشد ، و خداوند محو اثبات معاصی و ایه آنان بسیار ، بلکه آنان واسطه ای بیش نیستند ، و ملائک الهی در کار باشد ، اثری نخواهد پیشید .

قرآن به مسلمانان دستور میدهد : هر چه دستور قرآن اینست که افراد گناهکار خدمت پیامبر برسند ، و از او درخواست کنند که در حق آنان طلب مغفرت نماید ، و قرآن با صراحت هر چه تمایز میکند ، که اگر رسول خدا درباره گناهکاری دعا کند ، و از خداوند برای او طلب آمرزش نماید ، خداوند گناهان مجرب را خواهد بخشید ، اینک متن آیه :

ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا لله واستغفر لهم الرسول لوجدوا لله توابا رحیما (نسا - ۶۴)

یعنی هر گاه کسانی که بنفس های خود ظلم کرده اند ، به حضور پیامبر برسند ، و خود آنها طلب مغفرت کنند ، و پیامبر نیز درباره آنها استغفار نماید ، خداوند توبه پذیر و رحیم خواهد شد یافت از این نظر مسلمانان دراز گذشته اسلامی از پیروان معصوم خود میخواستند که در حق آنان استغفار کنند ، و از این طریق در این عالم درباره آنها شفاعت نمایند .

این مقام ، و این طرف شفاعت اختصاص به پیامبران ندارد ، حتی مؤمنان نیز از طریق استغفار در حق افراد یا ایمان میفرستند و جیات آموزش آنها را فراهم سازند ، فقط حق ندارد در حق افراد ملك چنین کرد ، چنانکه در حدیث آمده : ما كان للنبي والذين آمنوا ان يستغفروا لهم كین (توبه ، ۱۱۳) . یعنی پیامبر و افراد با ایمان نباید در باره افراد مشرك طلب آموزش نمایند ، ولی در حق دیگران اشکال ندارد .

حتی گاهی جاملان عرش که فرشتگان معصوم الهی هستند درباره افراد با ایمان طلب آموزش می نمایند ، چنانکه میفرماید : الذين يحملون العرش .. و يستغفرون للذين آمنوا (غافر - ۷) یعنی کسانی که جاملان عرش خدا هستند برای افراد با ایمان از خداوند طلب مغفرت میکنند . بنا بر این آیه مورد بحث و آیه های سوره نساء و یوسف (۱) ادله شفاعت است که خداوند بر اثر مغفرتی که بندگان بر گزیده خدا در پیشگاه او دارند ، ادعیه پیامبران را درباره افراد

الیه اثری که استغفار پیامبر درباره امت خود میگذارد ، نوعی از شفاعت است که با دلایل متعددی برای پیامبران و مردان بزرگ خدا ، ثابت میباشند و شفاعت منحصر به قسمت نیست . توضیح يك اشبهاء برخی که قدم بر اسخ در ولایت ندارند ، تصور کرده اند که منظور از رسیدن به حضور رسول خدا و استغفاری ، اینست که پیامبر از حق خود بگذرد ، زیرا مذاقن کسانی بودند که به خود پیامبر ظلم کرده ، و **حق الناس** (حقوق پیامبر) در گردن آنها بوده ، بنا بر این تأثیر استغفار برای پیامبر مقام خاصی نیست ، بلکه تمام مردم با او در این قسمت یکسان میباشند ، و هر کس به کسی ستم کرد باید از او خلعت بطلد .

ولی این فردا يك نکته غفلت ورزیده که اگر منظور از رسیدن به حضور پیامبر (بقیه درس ۶۹)

(۱) آیه ۲۴۴ - سوره یوسف و آیه ۹۷ و ۹۸ سوره یوسف و متن آیه ها قبلا گذشت .

شماره	۶۹	یادداشتی از سفر حج
ساحل ماج ۵۹۷	اوگندا ۴۰۰	سیرالئون ۱۸۸
تانزانیا ۳۹۲	جزیره موریس ۴۵	کینیا ۳۲۶
مالاگاسی ۳۲	داهومی ۲۱۴	کنگو کنگا ۳۳
لویری ۴۸	زامبیا ۲۸۵	سرزمینهای آفریقائی دیگر ۷۴
مجموع ۳۶۶۹۵ نفر .		
اروپا و آمریکا		
بریتانیا ۵۷۴ نفر	پرتغال ۴۱	یونان ۱۸۳
یوگسلاوی ۱۵۵۵	فرانسه ۳۴۶	سرزمینهای اروپائی دیگر ۴۴
آمریکا ۹۲	مجموع ۲۸۳۱ نفر .	
جمع کل حجاج در سال ۱۳۸۸ هجری ۳۷۴۷۸۴ نفر		
• • • • ۱۳۸۷ • ۳۱۸۵۰۷ •		
• • • • ۱۳۸۸ • ۵۶۲۲۷ •		
و بدین ترتیب افزایش تعداد حجاج نسبت به سال پیش ۱۷ درصد است و تعداد حجاج نر کبک و یمن در سرتیبه اول قرار دارند .		

(بقیه در ص ۷)

این بود که پیامبر شخصاً از حقوق خود بگذرد . باید چنین بفرماید . **تعالوا ینفرو لکم رسول الله الایغفونکم** : بیایید پیامبر شما را ببخشید ، در سورتی که من آنرا به استغفر است و فرق این دو لفظ بر احدی پوشیده نیست .

شرط تأثیر استغفار پیامبر : هر چه قرآن است که پیامبر از گناه مشرک نخواهد گذشت چنانکه فرموده : **ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک (نساء ۴۸)** یعنی : خداوند مشرک را نمیآورد ، و از غیر آن میگذرد . **مطالعات فریبنجی**
 بنابراین شرک گناهی است غیر قابل بخشش ، و خود مانع از بخشیده شدن سایر گناهان میباشد .

علت اینکه استغفار پیامبر درباره منافقان مؤثر نبوده ، اینست که آنان مشرک بودند ، و شرک حرمی است غیر قابل عفو ، و قلب مشرک را که از تاریکی و ظلمت فرا گرفته ، و هیچگونه شایستگی برای بخشش ندارد .

و این حقیقت در یکی از آیات بطور روشن گفته شده و چنین میفرماید : **ان تستغفروا لکم سبعین مره فلن یغفر الله لکم ذلک بانکم کفروا بالله ورسوله (توبه - ۸۰)** هر گاه هفتاد بار ، برای آنها طلب آمرزش نمایند خداوند آنان را نخواهد بخشید . زیرا آنان به خدا و رسول او کافرنند .